

پیش از آغاز هم بودی

آه

معن در بزمی

سرشناسه	: درجزی ، محسن ، ۱۳۳۰
عنوان و نام پدید آور	: آشوب / محسن درجزی
مشخصات نشر	: سبزووار: انتشارات بهار سبزووار، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: ۳۳۳ ص، ۱۴/۵ * ۲۱/۵ س م .
شابک	: ۱۰۰۰۰۰ ریال : ۸-۳-۹۴۰۵۱-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان های فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۸۳۴۲/۳/۵ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۵۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۳۳۸۳۹

آشوب

مؤلف: محسن درجزی
 ناشر: انتشارات بهار سبزووار
 نوبت: اول - زمستان ۱۳۹۳
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه - رقی-۳۳۳ص
 شابک: ۸-۳-۹۴۰۵۱-۶۰۰-۹۷۸
 ویراستار: عباس کرخی
 طرح جلد: صابر صابریان
 چاپ: ارم سبزووار ۴۴۲۳۸۹۸۰ - ۵۱
 قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان



سخن ناشر

آشوب رمانی است عاشقانه که به خامه توانمند رمان نویس ارجمند معلم گرانسنگ نیشابوری آقای محسن درجزی نوشته شده است که تصویری روشن از زندگی فرودستان نیشابور را ترسیم کرده است.

اگر با نگاهی واقع بینانه واکاوی شود آشوب شخصیتی است وامانده که میان دو جامعه امروزی و دیروزی گیر کرده اما تمام تلاشش در راستای جامعه نو امروزی است. او خود را در میان چنین تضادی گرفتار می بیند.

نشر بهار سبزوار بسیار خرسند است که پس از چاپ کتاب سالها درنگ امروز چنین اثری را به جامعه فرهنگ دوست نیشابور عرضه می کند. امید است که مشتاقان به این مرز و بوم شاهد آثار دیگر ارزشمند این نویسنده ارجمند باشند.

مدیر انتشارات بهار سبزوار ۱۳۹۳/۱۰/۲۰

ابوالفضل بروغنی

دیباچه

آشوب را به ساحت پاکِ مردمانِ ادبِ دوستِ گُهَن شهرم، آن‌ها که سازِ دلشان، صمیمانه به خاطرِ هر عاشقِ وارسته می‌نوازد، تقدیم می‌کنم. به مردمانِ شهرِ زیبایم، که دفترِ عشق‌شان مملو از قصه و حکایت‌های عاشقانه است و در تمامِ اعصار، پیشِ آهنگِ عشق و محبت و مهربانی بوده‌اند. مردمانی در همسایگی خَیام، عطار و کمال‌الملک. هرچند این نوشته را در خورِ شأن و مرتبه‌ی رفیع‌شان نمی‌بینم اما پذیرشِ این پیش‌کشِ ناچیز، بی‌نهایت باعثِ سرور و شادمانی است!

برخود فرض می‌دانم از همه‌ی همشهریانِ خون‌گرم و صمیمی که با خواندنِ سال‌ها درنگ‌انگیزه‌ی نوشتنِ «آشوب» را در من دوچندان کردند، سپاس‌گزاری کنم و دستِ آن‌ها را به نشانه‌ی قدرشناسی بوسم. امید که این تحفه‌ی ناچیز را نیز بپذیرند. هم‌چنین شایسته است از آقای عبدالرضا آریانا (برجی سابق) به خاطر مساعدت مالی ایشان تشکر کنم.

ولله الحمد

محسن در جزی

خرداد ۹۳

اندر خورِ عفو تو نکردیم گناهی

شرمنده از آنیم که در روزِ مکافات

(کَفّاش نیشابوری)

چشمانم را می‌بندم و به پشت چندین دهی قبل می‌خُرم. به روزگاری که دروازه عراق مسکن و مأوای من بود.

اکنون که توسن اندیشه مرا به میدان ساریان‌ها می‌برد، به آرامش خاصی می‌رسم و همانندم از جنس آن ایام می‌شوم. طلوع و غروبش چه جانانه و باصفا بر من می‌گذرد. احساس می‌کنم: از چنگ زمان و از چانه‌زنی‌هایش رها می‌شوم.

زمان از شمارش لحظه‌ها باز می‌ایستد. تا آزادو رها در آن محیط و محله‌ها نفس بکشم. چشمانم چون دوربینی و ذهنم به مثابه‌ی لابراتوری عمل می‌کنند تا تمام آن وقایع برگرفته از واقعیت‌ها را در پوشه‌ی یادم زنده نگه دارند.

«سال‌ها درنگ» و «آشوب» دو رمان که بر اساس واقعیت‌های آن زمان شکل گرفتند را به عنوان «گذشته چراغ راه آینده» به ساحت شما بزرگواران تقدیم می‌کنم تا در راه انتخاب، دچار اشتباهات پر سوناژهای این دو رمان نشوید. گاهی فراموش می‌کنیم که تقسیم کار سالیانی سال است که انجام گرفته، هر کسی دارای تخصصی شده است. سال‌ها درنگ با ویراستاری خودم انجام یافت و مورد اعتراض خوانندگان واقع گشت. اما آشوب را به دستان توانمند و با تخصص جناب آقای عباس کرخی دبیر فرهیخته و شاعر باذوق سپردم.

از زحمات بی دریغ جناب کرخی بسیار سپاسگزاری می‌کنم.

برقرار باشید و من الله التوفیق

تابستان ۱۳۹۳ - محسن درجری

فهرست مطالب

۱-	۱-خرس عابث
۵-	۲-مارشال دو رگه
۱۱-	۳-چاه باز
۲۰-	۴-چشم آبی در جمبه
۳۰-	۵-زمل و آسطلاب...
۴۵-	۶-هوس دیدار
۴۹-	۷-چَنار هَف بُرارو
۵۴-	۸-غوزی در میدان
۶۵-	۹-بره خوران
۸۵-	۱۰-دعوت و دیداری غیرمنتظره
۹۳-	۱۱-ولی خان چه خوابی...
۱۲۳-	۱۲-پیمان خون
۱۳۸-	۱۳-جای خالی آشوب
۱۴۹-	۱۴-چاه باز ساق دوش ساقی
۱۶۹-	۱۵-داماد کِشان
۱۷۷-	۱۶-شبی فراموش نشدنی
۲۰۰-	۱۷-مارشال بیابان گردی دیوانه
۲۱۰-	۱۸-پهلوان اسلام مشتی یحیی
۲۲۶-	۱۹-آخرین دیدار
۲۳۶-	۲۰-ساغری که شکست
۲۶۰-	۲۱-اتفاقی خوش آیند
۲۷۹-	۲۲-هزارحدس و گمان
۲۸۶-	۲۳-خیانت
۳۰۵-	۲۴-آخر عاقبت رفاقت
۳۲۲-	۲۵-خانه‌ی آخر